



۲۰۱۸/۰۸/۱۵



س.ح. روغ

## غزنی: یک هشدار منطقی (دوم)

نوشته «غزنی: یک هشدار منطقی» از این قلم (مورخ ۲۰۱۸/۰۸/۱۲) مورد توجه گسترده هموطنان قرار گرفت و ابراز نظر ها، و تردید ها، و ایراد های متعدد درج شدند؛ این مقیاس گسترده توجه، نشانه نگرانی شدید و حساسیت بالای همه هموطنان ما درباره انکشافات وطن است؛ نگرانی هایی که متأسفانه، و فقط، پیوسته افزایش می یابند.

اینک نظریات مندرج در فیسبوک را در چار گروه جمعبندی و مطالعه می کنیم:

**گروه اول** نظریاتی که تأکید شان بر عامل داخلی، و نقش مافیا، و فقدان یک دولت مقتدر ملی، است.

این تأکید، حق بجانب است؛ این قلم بسیار فشرده نوشته بودم که «ائتلاف نجات»، تمثیلی از همان «ائتلاف» منطقی محاط بر افغانستان است؛ از توضیح بیشتر صرف نظر شده بود، چون این «ائتلاف»، و ساختار و عملکرد آن، موضوع بحث نبود؛ همه حرکات سیاسی کنونی در افغانستان از این نظر وجه مشترک دارند که از «وضع موجود» فراتر نمی روند؛

بطور مشخص دو تذکر را افزود می کنیم:

یکی این که مداخله دولت در تقسیم مجدد حوزه های انتخاباتی در غزنی، یک اقدام بسیار سنجیده نه بوده است؛ همین بود که مهاجمین، دفاتر تدویر انتخابات را هم به آتش کشیدند؛ همه حوادث چند ماه اخیر، با انتخابات گره می خورند؛ و همه مشترکاً می کوشند انتخابات آینده را نقب گذاری کنند؛

دیگری این که برنامه صلح با طالبان، صرفنظر از این که جریان و محتوای آن چی و چگونه است، مطمئناً از انگیزه های این اقدام بوده است؛ منابع خبری می گویند که طالبان هم اکنون در نیمه قلمرو افغانستان در جنگ ها دخیل هستند؛ این که گفته شده مناطق حاشیه بی به طالبان واگذار شود، منتظر این توضیح است که مناطق حاشیه بی کدام مناطق هستند؟

**گروه دوم** نظریاتی که تأکید شان این بود که امریکایی ها و ناتو در حوادث اخیر غزنی بی علاقه مانده اند؛ برخی از ناظران در داخل کشور از «تأخیر» قوت های ناتو در حمایت از دولت شکایت کردند؛ بهر حال آژانس باختر خبر داد که قوت های مستقر در افغانستان در روز های گذشته به حمایت از دولت افغانستان وارد اقدام شده اند؛ و در شکست این مهاجمه سهم فعال داشته اند؛

گروه سوم نظریاتی که تأکید شان بر این است که این هجوم از پاکستان صورت گرفته است؛ چون یک جنرال پاکستانی کشته شده است!

در طی چند دهه مداخله منظم، پاکستانی ها چند پایگاه اساسی در داخل قلمرو افغانستان جور کرده اند، که مهم ترین آن ها توره بوره در ننگرهار، و پایگاه ناوه غزنی بوده است؛ ناوه غزنی، که همجوار پاکستان است، از خطوط مهم انتقالی طالبان قرار داده شد؛ و پاکستانی ها آن را به یک پایگاه مجهز اکمالاتی و انتقالی برای طالبان مبدل کرده اند؛ شواهد غیرقابل انکار موجود است که این پایگاه ها بوسیله نظامیان پاکستانی مدیریت می شوند؛

از چندین سال در ولسوالی ناوه و سایر ولسوالی های غزنی جنگ های متعدد با پاکستانی ها جریان داشته است؛ «وضع در غزنی از یک سال بدینسو وخیم بوده است»؛ و مسؤولین وزارت دفاع افغانستان گفتند که در حوادث غزنی «غافلگیر نه شده اند»؛ در طی این جنگ ها بوده که جنرالان پاکستانی موسوم به کامران و شاهد عزیز دو سال پیش در حوالی غزنی و در پایگاه ناوه کشته شده اند؛ اخبار مربوط به کشته شدن این جنرالان از جانب خبرگزاری های اطلس و رشد در سال ۱۳۹۵ هـ.ش، یعنی دو سال پیش، داده شده است؛

پاکستان احساس کرده است که موج نو نهضت های پشتون و بلوچ، یک تهدید بسیار جدی است؛ نوشته های یوسفزی نشان می دهد که پاکستانی ها با وضاحت می دانند که این تهدید ها از کجا سرچشمه می گیرد؛ رویکار شدن عمران خان در پاکستان یک عکس العمل هیات حاکم در برابر این رویداد ها است؛ پاکستان در حال تجدید آرایش است و به نظر می رسد که در حوادث اخیر در افغانستان نقش پیشقدم خود را به ایران واگذار کرده است؛

گروه چارم نظریاتی که تأکید شان بر این است که برای دخالت و مداخله در غزنی از جانب ایران، چه شواهدی داشته اید؟

ایران از آغاز جنگ افغانستان در ۴۵ سال گذشته نقش بسیار مهم داشته است و مداخلات ایران در افغانستان پیوسته بیشتر تشدید یافته است؛ فراهی می نویسد که از ۱۳۵۲ مسؤولیت «نفوذ منطوقی» به ایران واگذار شده بود؛ کوردویز می نویسد که داود خان را ماسکو سقوط نداد، بل تهران سقوط داد؛ ایران در سال ۱۳۵۵ هـ.ش نخستین تمویل کننده «جهاد» افغانستان بود؛ در سال ۱۳۵۶ سازمان نصر در تحت نظارت مستقیم ایران تأسیس شد؛ و چند سال بعد ۱۵ سازمان زیر نظارت ایران به «حزب وحدت» مبدل ساخته شدند؛ از همان آغاز «جنگ افغانستان»، غزنی یکی از مهم ترین مراکز عملیاتی ایران در افغانستان قرار داده شده بود؛ شبکه های ارتباطی و انتقالی و اکمالاتی را که از طریق غزنی می گذشته اند، ایران پیوسته در دست داشته است؛ و هم اکنون نیز در دست دارد؛

از همان آغاز پدید شدن طالبان، ایران در پرورش و تسلیح طالبان نقش اساسی داشته است؛ پایگاه های پرورش طالبان پیوسته در خاک ایران فعال بوده اند؛ فقط دو هفته پیش یک قوماندان مهم طالبان که از ارزگان به دولت تسلیم شد، افساء کرد که در سر تا سر عملیات طالبان، آنان از جانب «ایران و روسیه و چین» حمایت می شوند؛ بسیار عجیب است که این قوماندان طالبان از چین هم نام برده است؛

در طی دو ماه گذشته اخبار متعدد موجود بود که تولی مشر اسماعیل «خان!» مهمترین حلقه وصل در میان ایران و طالبان است؛ این تولی مشر اسماعیل همان کسی است که در دوران حکومت طالبان با وساطت ایران از زندان طالبان

آزاد شد؛ و این تولى مشر از مهمترين سران مافياى مخدر در منطقه است و قرار معلوم سه مليارد دالر پولى را كه در دوران رئيس جمهور كرزى از بيت المال اختلاس كرده، در ايران سرمايه گذارى كرده است؛ و اين تولى مشر اخيراً اعلان كرد كه از ورود والى فرستاده دولت داکتر غنى به هرات ممانعت خواهد كرد؛ وى دو ماه پيش وارد «ائتلاف نجات» شد!!

بهرحال؛ سؤال از نقش ايران در حوادث غزنى از دو مقياس ديگر پاسخ مى گيرد:

اول سياست كاملاً روشن و صريح دولت غنى در باره ضرورت افغانستان براى مهار كردن منابع آبى خود؛ ايران طى مذاكرات متعدد مطمئن ساخته شد كه در دولت غنى يك فهم روشن از مبانى قانونى و سوابق قراردادى اين مسأله موجود است؛ به جانب ايران فهماننده شد كه افغانستان به قرارداد هاى منعقد شده در اين رابطه متعهد است، اما ايران سالانه ۳۳ مليارد مترمكعب، بالاتر از ظرفيت قراردادى، از افغانستان آب دريافت مى كند؛ و از طريق رشوه و هدايا و سبوتاژ ها، دولت هاى قبلى افغانستان را از اقدامات در اين زمينه مانع شده است؛ ايران مطمئن ساخته شده است كه دولت غنى در نيات و برنامه هاى خود در اين مسأله جدى است؛ وزير خارجه ايران طى سفر به كابل با وضاحت هشدار داد كه ايران از اين اقدامات جانب افغانستان ممانعت خواهد كرد؛ و در نتيجه حملات كاملاً آشكار و لشكر كشى هاى منظم ايران بالاي تاسيسات آبى افغانستان از بند سلما آغاز شد، و دامنه آن پيوسته وسيع تر ساخته شد؛ پس از حوادث فراه، حوادث مهم در ارزگان واقع شد؛ و با همه دلايل، حوادث اخير غزنى يك حلقه مهم و بسيار خطرناك از همين وقايع است؛

دوم موقف ايران در حلقه شانگهاى؛ و حساسيت هاى جدى كه امريكا در مقابل كوشش هاى ايران براى صدور انرژى به چين و هند؛ و در مقابل نقش افزاينده ايران در شرقميانه؛ ابراز كرده است؛ طورى كه اخبار مى گويند امريكا با وضاحت اعلام كرده است كه يا ايران اين فعاليت هاى خود را با اميال امريكا مطابقت مى دهد و يا منتظر اقدامات امريكا باشد؛ ايران با اقدامات متقابل تهديد كرده است؛ و يكى از اين اقدامات تشديد مداخلات و حادثه آفرينى هاى جديد در افغانستان است؛

و طورى كه مى بينيم منحنى سير حوادث در جنوبغرب افغانستان تا به غزنى، با منحنى تشديد تشنج در مناسبات ميان امريكا و ايران مطابقت مى كند؛

از اينجاست كه نقش مهم و ستراتيژيك در حوادث غزنى را به ايران داديم؛ و از اينجا است كه حوادث غزنى يك هشدار بسيار جدى منطوقى است!

خوشباورى يك كالابى است كه در دنياى كنوانى كسى به مفت هم نمى خرد!

افغانان بايد بسيار هوشيار باشند!

